

«الگوپذیری تربیتی کودکان در بررسی محتوایی سریال‌های انیمیشنی کودک تلویزیون»

ناهید سعادت سیرت ۱

چکیده

تلویزیون به عنوان مکمل تربیتی در کنار خانواده، عامل رشد فکری و شخصیتی کودکان می‌شود. از آنجا که کودکان به میزان قابل توجهی در معرض تماشای سریال‌های پویانمایی قرار می‌گیرند؛ لذا بسیاری از الگوهای تربیتی را به شکل چشمگیری آموخته و در آنها نهادینه می‌شود. در این مقاله تلاش شده است با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی، ضمن تحلیل الگوهای تربیتی ارائه شده در سریال‌های پویانمایی شبکه استانی؛ به نقش این سریال‌ها در آموزش الگوهای تربیتی و مهارت‌های فردی و اجتماعی به کودکان در قالب موضوعات مختلف بپردازد. نمونه این پژوهش در کل ۷۱ دقیقه و ۵۱۷ صحنه از سریال‌های پویانمایی مرتبط بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد؛ الگوهای تربیتی به صورت گفتگویی (کلامی) بین شخصیت‌های داستان و «رفتارهای اجتماعی چون تمیز نگه داشتن طبیعت و مهربانی با حیوانات، رفتارهای فردی چون و سلام کردن و راستگویی، رفتارهای بین فردی چون همکاری در کارها و قدرشناسی به کودکان آموخته و الگودهی می‌شود. بارزترین الگوی تربیتی که از طریق شخصیت پدر و مادر در سریال‌ها ارائه شده الگوی «غلبه بر خجالت و کمرویی» است و آموزش الگوهای چون؛ نحوه کنترل و بروز هیجان‌های مثبت (عشق) و منفی (خشم) بیشتر در قالب داستان و قصه به کودکان و به طور غیر مستقیم، از طریق شخصیت‌های اصلی به کودکان الگودهی می‌شود.

واژگان کلیدی: پویانمایی، الگوپذیری، رفتارهای تربیتی، رفتارهای اجتماعی، کودک.

رسانه ها در کنار نهادهای دیگر از جمله خانواده و مدرسه نقش اساسی در شکل دهی هویت شخصی و جهان بینی کودکان داشته‌اند. (ادیب، ۱۳۸۹: ۹۰) افزایش مصرف رسانه‌ای کودکان فرصتی برای رشد شخصیت و شکوفایی استعداد کودکان و تسهیل فرایند الگوپذیری و جامعه پذیری آنان تلقی شود و هم می‌تواند به دلیل بهره‌گیری از محتوای متون متفاوت، زمینه‌های بروز تعارضات ارزشی، شخصیتی و الگودهی رفتاری مناسب در کودکان را فراهم سازد. از جمله عوامل مؤثر بر تعلیم و تربیت کودکان علاوه بر خانواده، مدرسه و جامعه از تلویزیون می‌توان نام برد که از سنین اولیه کودکی در شکل‌گیری شخصیت کودک مؤثر است. (حجازی، ۱۳۸۵: ۱۶۵) در واقع این همان بینامتنیتی است که ژاک دریدا در ارتباط با تعامل و تکثیر متون مختلف بیان می‌کند. (روچک، ۱۳۹۰: ۸۷) داشتن تصویر و وجود شبکه‌های متعدد برای پخش برنامه‌های متنوع، شکسته شدن مرزهای جغرافیایی توسط این وسیله با استفاده از ماهواره‌ها، به تلویزیون در میان وسایل ارتباط جمعی موقعیت ممتازی بخشیده که از این جهت، نظر محققان را به خود جلب کرده است. ابعاد تربیتی تلویزیون را می‌توان در مواردی چون؛ اعطای بینش، ایجاد گرایش، معرفی الگوهای رفتاری برشمرد. (ملوین، ۱۳۸۳، ص ۲۷) سازوکار الگوگیری مخاطبان تلویزیون از رفتارهای به نمایش درآمده در آن رسانه طبق مدل سازی چنین بازگو شده است: **اول:** تماشاگر، رفتار خاصی را از بازیگر رسانه مشاهده می‌کند. **دوم:** مخاطب رفتار مشاهده شده را درک و حل‌جی کرده، خود را در جای بازیگر قرار می‌دهد. **سوم:** پس از آن، تماشاگر در موقعیت‌های همسان با موقعیت‌های نمایش داده شده، شبیه رفتار بازیگر در آن موقعیت عمل می‌کند. **چهارم:** تکرار رفتارهای مشاهده شده، احساس رضایتمندی تماشاگر را به دنبال دارد و این مثل شرطی شدن عمل می‌کند. (رستم خانی، ۱۳۹۴، ص ۸۴) تلویزیون به خاطر برنامه‌های فراگیر و متنوع، بهترین وسیله‌ای است که می‌تواند این نیاز آموزشی کودک را برطرف کند زیرا تلویزیون واسطه‌ای فراگیر است که در دسترس همه کودکان قرار دارد. (کون، ۱۳۸۲، ص ۱۷۷) کودکان از طریق تلویزیون، درباره خود، زندگی خود، چگونگی رفتار در شرایط گوناگون، و چگونگی برخورد با مشکلات خانوادگی و شخصی، چیزهای زیادی می‌آموزند و این اجتماعی شدن از طریق تلویزیون با توجه به ویژگی‌های تلویزیون و کودک، از هر چیزی نافذتر است. (افضل نیا، ۱۳۸۴، ص ۸۲) نظریه شناخت اجتماعی «باندورا»^۳ یکی از متفقد و مشهورترین نظریه‌ها در حوزه روانشناسی اجتماعی است. بنابراین عجیب نیست که نفوذ این نظریه به رشته‌های چندگانه از جمله ارتباطات و مطالعه تأثیرات رسانه‌ای هم تعمیم یافته است. (رابی و اولیور، ۱۳۹۳، ص ۲۹۹)

طبق نظریه شناخت اجتماعی، برنامه‌های سرگرمی - آموزشی معمولاً شامل سه گونه شخصیت می‌شود که مخاطبان می‌توانند از آنها بیاموزند: الگوهای نقش مثبت که از ارزش دارای زمینه‌های اجتماعی حمایت می‌کنند؛ الگوی نقش منفی که این ارزش را رد می‌کند و الگوهای انتقالی که در طول برنامه یا سریال از الگوهای منفی به الگوهای مثبت تغییر می‌کنند. شخصیت‌های انتقالی به طور خاص الگوهای مرتبطی ارائه می‌دهند که مخاطبان می‌توانند از آنها بیاموزند. مخاطبان هنگامی که ابتدا رفتار جدیدی را مورد توجه قرار دهند، می‌توانند با تجربه عدم قطعیت و تردید شخصیت‌های انتقالی ارتباط برقرار کنند، و همان طور که قصه جلو می‌رود، می‌توانند مشاهده کنند که شخصیت‌ها به دلیل انتخاب آن رفتار مورد نظر پاداش

در یافت کرده‌اند. (رابی و اولیور، ۱۳۹۳، ص ۳۱۱) به عقیده بندورا یادگیرنده باید علاوه بر توجه و علاقه، توانایی تقلید و الگوبرداری را دارا باشد. یادگیری اجتماعی، بنا بر مشاهده و تقلید، به طور ناخودآگاه در بسیاری از افراد به صورت مثبت و منفی انجام می‌گیرد و پیامدهای ثمربخش یا زیانبار خود را به دنبال خواهد داشت. (پارسا، ۱۳۸۳، ص ۲۱۷) بنابراین هم آموزش و هم یادگیری هر دو از کارکردهای مهم تلویزیون هستند. «کلیم» در سال (۲۰۱۲) در پژوهشی که در دانشگاه بوستون در مورد اثرات تلویزیون بر کودکان انجام داد به این نتیجه رسید که این رسانه در برنامه‌های آموزشی توانایی صدمه زدن به شناخت کودکان از محیط پیرامون را دارد. مارش نیز هشدار داد اگر تلویزیون به اثرات مخرب برنامه‌های آموزشی ادامه دهد، صدمات جبران ناپذیری در اخلاق و روحیه آنها خواهد گذاشت. القای غیر مستقیم خشونت و پرخاشگری یکی از این آسیب‌ها می‌باشد. (Klemm, 2017) در پژوهشی که در سال (۲۰۱۲) توسط کارون انجام شد نشان داد نزدیک به نیمی از برنامه‌های تلویزیون بر آموزش مسائل اجتماعی متمرکز است. (Caron, 2012) هانکوس^۴ (۲۰۰۵) در مورد فقر آموزشی در برنامه‌های تلویزیون به این نتیجه رسید که کودکان و نوجوانان در صورت عدم یادگیری مهارت‌های جدید در برنامه‌ها از میزان توجه شان به تلویزیون کاسته می‌شود. (Christakis, 2006) با توجه به انتخاب دو متغیر الگوهای تربیتی و یادگیری آموزشی به عنوان مقوله‌های اصلی در تحلیل محتوای سریال‌های پویانمایی کودکان؛ شناسایی دو مورد زیر به عنوان اهداف و سؤالات اصلی این پژوهش در نظر گرفته شده است:

شناخت الگوهای تربیتی ارائه شده در سریال‌های پویانمایی.

- شناخت الگوهای رفتار اجتماعی و فردی در سریال‌های پویانمایی.
- شناخت قالب‌های ارائه الگوهای تربیتی و موجودات نمایشی در سریال‌های پویانمایی.
- الگوهای تربیتی به چه نحوی در سریال‌های انیمیشنی ارائه می‌شوند؟
- الگوهای رفتار اجتماعی و فردی به چه نحوی در سریال‌های انیمیشنی ارائه می‌شوند؟
- الگوهای تربیتی و رفتاری در سریال‌های انیمیشنی در چه قالبی ارائه شده است؟

نظریه شناخت اجتماعی

برای تبیین این نظریه باید به مفاهیم تقلید، الگوبرداری و مشاهده اشاره شود؛ «بندورا» اهمیت تقویت مستقیم را به عنوان روشی برای تأثیر گذاشتن بر رفتار انکار نمی‌کند، ولی او این عقیده را که رفتار فقط می‌تواند از طریق تقویت مستقیم آموخته شود یا تغییر یابد به چالش می‌طلبید. ما با مشاهده کردن دیگران و تقلید کردن از رفتار آنها یاد می‌گیریم. (شولتز، ۱۳۸۹، ص ۴۵۲) در نظریه بندورا، عناصری از نظریه‌های رفتاری که می‌گویند رفتارها از طریق شرطی سازی آموخته می‌شوند و نظریه‌های شناختی که تأثیرات روانشناختی مانند توجه و حافظه را در نظر می‌گیرند با هم ترکیب شده‌اند.

4 Bandura

5 Klemm

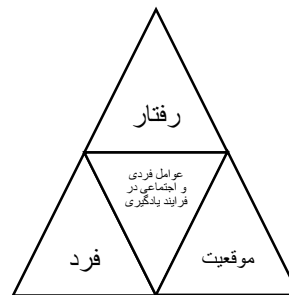
6 Boston University

7 Caron

8 Hancox

(Horrocks,2011,p-124) سه مفهوم اصلی در بطن نظریه یادگیری اجتماعی نهفته‌اند. اول، این مفهوم است که افراد می‌توانند از طریق مشاهده بیاموزند. دوم، این مفهوم است که حالت‌های روانی درونی بخشی ضروری از این فرایند را تشکیل می‌دهند. سوم، این نظریه می‌گوید که فقط به دلیل اینکه چیزی آموخته شده است نمی‌تواند این معنی را داشته باشد که باعث تغییر در رفتار خواهد شد.

از نظر «بندورا» بخش وسیعی از یادگیری‌های انسان با مشاهده و تقلید صورت می‌گیرد. در اولین تحقیق بندورا و والترز (۱۹۵۲) در زمینه علل خانوادگی پرخاشگری، بر اهمیت یادگیری از طریق مشاهده رفتار دیگران تأکید کرده‌اند. از آن به بعد، «بندورا» یادگیری مشاهده‌ای را مهم‌ترین عامل رشد و یادگیری به حساب آورد. (کدیور، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸) «بندورا» در جریان پرورش نظریه شناختی- اجتماعی خود، دیدگاه یک بعدی تأثیرگذاری محیط بر انسان، یعنی عمده‌ترین فرضیه رفتارگرایی را رد کرده، به طرح عوامل دوجانبه (Determinism Reciprocal) یا «فرایندی به هم پیوسته» که دربرگیرنده کلیه رفتارهای فردی و اجتماعی در فرایند یادگیری می‌پردازد. (ارنسون، ۱۳۹۳، ص ۸۲)



به نظر «بندورا» عواطف، عقیده، تفکر و رفتار فرد در هر موقعیت و شرایط به احساس قابلیت و توانایی او وابسته است. (Akiyama,2015,p-211) بندورا و همکاران معتقدند سه عامل زیر می‌تواند بر سرمشق‌گیری و الگوپذیری تأثیر بگذارد: الف) ویژگی الگوها؛ ویژگی الگوها بر گرایش ما به تقلید کردن از آنها تأثیر می‌گذارد. این ویژگی‌های اثرگذار عبارت‌اند از: ۱- شباهت الگو و مشاهده‌گر: در زندگی عملی، بیشتر تحت تأثیر کسی قرار می‌گیریم که به نظر می‌رسد شبیه ماست تا کسی که با ما تفاوت زیادی دارد. بندورا دریافت که گرچه کودکان از رفتار کودک الگویی - کودک در همان اتاق، یا در فیلم و یا شخصیت کارتونی- تقلید کردند، ولی هنگامی که شباهت بین الگو و آزمودنی کاهش یافت، میزان سرمشق‌گیری نیز کاهش یافت. این کودکان از الگوی زنده بیشتر از شخصیت بی‌جان تقلید کردند. ۲- سن و جنسیت: ما از رفتار کسی که هم‌جنس ماست بیشتر از کسی که از جنس مخالف است سرمشق می‌گیریم. در ضمن، به احتمال بیشتری تحت تأثیر الگوهای هم‌سن قرار می‌گیریم. ۳- مقام و شهرت: معلوم شده است که وقتی عابران پیاده ببینند که فرد خوش‌لباسی هنگام روشن بودن چراغ قرمز از خیابان رد می‌شود در مقایسه با زمانی که ببینند فرد بدلباسی این کار را انجام می‌دهد. به احتمال بیشتری آن‌ها نیز با روشن بودن چراغ قرمز از خیابان رد می‌شوند. انتظار این است که مصرف‌کنندگان از رفتار آن‌ها تقلید کرده و محصول تبلیغ شده را بخرند. (مارشال، ۱۳۹۶، ص ۱۲۶) با توجه به ارزش تعلیم و تربیت در نظام هستی و تأثیر آن بر حوزه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی خانواده‌ها و جامعه به نظر می‌رسد وجود تعلیم رسانه‌ها در راستای تحول در نظام

تربیتی امری انکارناپذیر و چه بسا ضروری باشد. (اصغری، ۱۳۹۶، ص ۶۷) بنابراین تلویزیون با استفاده از قابلیت‌ها و توانایی‌هایی که در جذب مخاطب به خصوص مخاطب کودک دارد ضمن پاسخ به نیازهای او به تفریح و سرگرم شدن می‌توانند مهارت‌های زندگی را به او آموزش دهد و به نقش آموزشی و رسانه‌ای خود نیز عمل نماید. (Horrocks, 2011, p-42)

در جدول (۱) تعریف عملیاتی الگوهای تربیتی و نحوه آموزش رفتارهای فردی و اجتماعی مورد استفاده در این پژوهش براساس نظرات آلبرت بندورا (۲۰۱۴) ارائه می‌شود.

جدول ۱- تعریف عملیاتی الگوهای تربیتی و یادگیری رفتارهای فردی و اجتماعی

مؤلفه‌ها	مفهوم	زیر مقوله	مقوله
کلامی	ارائه رفتارهای تربیتی به صورت کلامی	کلامی	نحوه ارائه
غیر کلامی	ارائه رفتارهای تربیتی به صورت زبان بدن و غیر کلامی	غیر کلامی	رفتار تربیتی
مجموعه‌ای از رفتارهای تربیتی فردی -	این رفتارها شامل؛ سلام کردن، شستن دست و صورت، رعایت بهداشت فردی، مسئولیت پذیری، اجازه گرفتن از بزرگترها، پس انداز کردن، راستگویی، امانتداری.	مجموعه‌ای از رفتارهای تربیتی فردی -	الگوهای محوری رفتارهای تربیتی
نقش اصلی	برخی از شخصیت‌ها در سریال‌ها و فیلم‌های داستانی محور بحث هستند و موضوع اصلی حول محور شخصیت اصلی می‌چرخد.	نقش اصلی	نقش شخصیت‌های انیمیشنی
مجموعه‌ای از رفتارهای تربیتی - اجتماعی	گاهی نیز شخصیت‌های داستان محور فرعی دارند و زیاد با تم اصلی داستان درگیر نیستند.	نقش فرعی	آموزش رفتارهای اجتماعی
مجموعه‌ای از رفتارهای بین فردی	رفتارهای تربیتی - اجتماعی شامل؛ دوست داشتن حیوانات، آسیب نزدن به گیاهان، تمیز نگه داشتن طبیعت، تمیز نگه داشتن اماکن عمومی.	مجموعه‌ای از رفتارهای تربیتی - اجتماعی	الگوهای تربیتی بین فردی در کودکان
داستان	ارائه آموزه‌های تربیتی به صورت داستان	داستان	قلب ارائه
شعر	ارائه آموزه‌های تربیتی به صورت شعر و آهنگ	شعر	پیام تربیتی

نماهنگ	ارائه آموزه های تربیتی به صورت ترکیبی از شعر و اهنک (موزیکال)	نماهنگ	
مهارت های زندگی	موارد آموزش مهارت های فردی و اجتماعی به کودکان ؛ مسئولیت پذیری، ابراز وجود با اعتماد به نفس، زود عصبانی نشدن، وقت شناسی، درخواست کمک، غلبه بر خجالت و کمرویی.	مهارت های زندگی	نحوه آموزش مهارت های فردی
شخصیت ها	شخصیت ها شامل؛ مادر، پدر، خواهر و برادر بزرگتر، پدر بزرگ و مادر بزرگ، سایر افراد.	شخصیت ها	شخصیت ارائه الگوها

بندورا سه الگوی اساسی یادگیری مشاهده‌ای را شناسایی کرد. این الگوها عبارتند از الگوی زنده، که شامل فردی حقیقی می شود که یک رفتار را به نمایش می گذارد یا اجرا می کند. الگوی آموزشی کلامی، که شامل توصیف رفتار می شود. الگوی نمادین، که شامل شخصیت‌های واقعی یا تخیلی می شود که رفتارهایی را در کتاب‌ها، فیلم‌ها، برنامه‌های تلویزیونی، یا رسانه‌های آنلاین به نمایش می گذارند. (نجفی، حسین، ص ۵۷) نکته قابل ذکر در این بخش این است که همیشه مشاهده صرف رفتارهای دیگران نمی تواند به یادگیری منجر شود. حالت روانی و انگیزش فرد در تعیین اینکه یادگیری آموخته می شود یا خیر تأثیرگذار هستند. به نظر بندورا تقویت بیرونی و محیطی تنها عاملی نیست که بر روی یادگیری و رفتار تأثیر بگذارد. او تقویت درونی را به عنوان شکلی از پاداش درونی، مانند احساس افتخار و غرور، رضایت، و احساس پیشرفت، توصیف کرد. (Bat h, ۲۰۰۳, p-۷) تولد کودک مقارن با اجتماعی شدن او است. به همان نسبت که کودک رشد می کند، باید هم زمان رشد اجتماعی نیز داشته باشد زیرا رشد، پرورش و جامعه پذیری سه ماهیت همراه در وجود کودک است. (مرادی، ۱۳۹۴، ۵۴) اولین جایی که کودک اجتماعی شدن را می آموزد خانواده است. ولی توان خانواده برای پاسخ گویی به این نیاز بزرگ ناچیز است. ولی تلویزیون به خاطر برنامه‌های فراگیر و متنوع، بهترین وسیله‌ای است که می تواند این نیاز کودک را برطرف کند. زیرا تلویزیون واسطه‌ای فراگیر است که در دسترس همه کودکان قرار دارد. (کوبین، ۱۳۸۲، ص ۱۷۷)

پیشینه پژوهش

مطالعات ما در مورد موضوع پژوهش نشان داد که در مورد روش پژوهش یعنی همان تحلیل محتوی؛ پژوهش‌هایی صورت گرفته و عمده موضوع‌های پژوهشی در مورد تحلیل محتوای آگهی‌های بازرگانی، سریال‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی است. از جمله پژوهش‌های نزدیک به پژوهش حاضر می توان به پژوهش هربرت بلومر (۱۹۶۰) اشاره کرد که نشان

داد کودکان و نوجوانان رفتارهای بسیاری از قهرمانان سریال‌ها مانند؛ روش‌های سخن گفتن و خلاصه شیوه‌های رفتاری آنان را به طور دقیق الگوپذیری و تقلید می‌کنند. این نتیجه موجب ترس و نگرانی والدین از تأثیرات منفی فیلم‌ها بر کودکان شد. دیوار (۲۰۱۵) در پژوهشی دریافت کودکان با تماشای تلویزیون بسیاری از مهارت‌های کلامی را یاد می‌گیرند. او نتیجه گرفت اثرات تلویزیون بر کودکان به طور مستقیم در یادگیری الگوهای تربیتی آنها مؤثر است. کودکان بسیاری از تجربه‌های زندگی را مانند حرف زدن ابتدا در تلویزیون می‌بینند و یاد می‌گیرند. رینهارت (۲۰۱۷) در پژوهش خود به تأثیر برنامه‌های تلویزیون بر نگرش‌های رفتاری و قضاوت اخلاقی کودکان پرداخت. نتیجه‌گیری او از یافته‌ها این گونه بود که؛ نگرش کودکان از قضاوت اخلاقی شخصیت‌های کارتونی متأثر است. او بعد از آنکه تعدادی از کودکان را در معرض تماشای فیلم کارتونی قرار داد، نگرش آنها را در مورد رفتارهای اخلاقی مانند کمک کردن و دوست داشتن یا صدمه زدن و متنفر بودن بررسی و دریافت تأثیر شخصیت‌های کارتونی در ایجاد نگرش مثبت و منفی کودکان مؤثر است.

مون و شوئیتزر^۴ (۲۰۰۵) به بررسی محتوایی ۸۰۶ بخش از برنامه‌های کودک و نوجوان مالزی و ۹۷۶ آیتم از برنامه‌های کودک کره جنوبی پرداختند. آنها با استفاده از طبقه‌بندی و مقایسه این برنامه‌ها، محتوای اصلی آموزش هر کشور را شناسایی و تفاوت آموزش‌های تربیتی براساس فرهنگ هر کشور را در قالب ابعاد آموزشی و فرهنگی هافستد^{۱۵} بیان کردند. اویدل و همکارانش (۲۰۱۰) نیز محتوای ۱۵۰۵ صحنه از فیلم‌های کودک برای رسیدن به میزان خشونت رسانه‌ای در فیلم‌های کودک و نوجوان که شامل فیلم‌های پخش شده در کشور کنیا، نیجریه و آفریقای جنوبی بررسی کردند. آنها دریافتند تماشای فیلم‌های سینمایی خشونت آمیز که با زد و خورد میان شخصیت اصلی داستان به عنوان قهرمان و دیگر شخصیت‌های فیلم به طرز عجیبی در بروز رفتارهای خشونت‌آمیز در کودکان مؤثر بوده است. یافته‌های آنها نشان داد تفاوت فرهنگی و تربیتی کشورها تأثیری در خنثی نمودن تأثیر الگوپذیری کودکان از رفتارهای خشن نکرده است. در داخل کشور نیز مطالعاتی در زمینه تحلیل محتوای انواع برنامه‌ها و سریال‌های کودک صورت گرفته است. از موضوع‌های نزدیک به پژوهش می‌توان به پژوهش اصغری (۱۳۹۶) اشاره کرد که هدف از پژوهش خود را مطالعه و ارزیابی روابط بین استفاده از تلویزیون و ایجاد مشکلات رفتاری در کودکان بیان می‌کند. او براساس یافته‌ها تحقیق نتیجه می‌گیرد بین میزان استفاده از برنامه‌های کودک تلویزیون و تنها و عصبی شدن کودکان ۶-۴ ساله پیش دبستانی رابطه وجود دارد به طوری که کودکانی که بیشتر از دو ساعت در شبانه روز سریال‌های کودک می‌بینند میل به تنهایی دارند و رفتارهای منفعل و عصبی از خود نشان می‌دهند. همچنین تمایل آنها به گفتگو با اطرافیان شان کم شده و میل به برقراری ارتباط خیالی با شخصیت‌های کارتونی دارند. حسن بهشتی (۱۳۹۲) اشاره کرد که به بررسی شخصیت قهرمان بن‌تن^{۱۶} یکی از مجموعه‌های پرطرفدار این روزهای دنیای انیمیشن با هدف شناخت میزان الگوپذیری تربیتی از شخصیت «قهرمان» و ویژگی‌های آن، پرداخته است. این حرکت بن‌تن به سوی قهرمان

1 Dwar.gwen	1
1 Reinhardt. lauri	2
1 Moon, Y.S	3
1 Schweitzer, K	4
1 Hfstede	5
1 Oyedele, A & Minor, M.S & Ghanem, S	
1 Character Hero Benton	7

شدن در پژوهش پیش رو با استفاده از نظریه کریستوفروگلر^۱ درباره سفر قهرمان بررسی شده تا ابعاد ابرقهرمان^۲ بارزتر شود. همچنین پورنوروز (۱۳۸۶) در کلیات، اهداف طرح را در مواردی چون؛ جستجوی پیام‌های تربیتی برای کودک، آموزشی، اخلاقی؛ میزان به کارگیری واژه‌های غیرقابل فهم؛ تعیین سهم زمانی موضوعات و پیام واکنش شخصیت‌های انیمیشنی اعم از منطقی یا غیرمنطقی بیان داشته است. پژوهش نظری (۱۳۸۰) در تحلیل محتوای کارتون انیمیشنی دی جی مون؛^۳ اهداف این پژوهش را شناخت شخصیت‌های انسانی با «دی جی مون»^۴ شخصیت کارتون و دستیابی به نوع خشونت، دستیابی به ناامنی روانی کودکان و شناخت نمادهای به کار گرفته شده را تحلیل کرده است. در نهایت آنچه که پژوهش ما را از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌کند و جنبه بدیع بودن به آن می‌بخشد، الگوپذیری تربیتی کودکان در رفتارهای اجتماعی و فردی از سریال‌های پویانمایی است. بررسی پیشینه تحقیق نشان داد؛ تولیدات انبوه سریال و فیلم‌های انیمیشنی برای کودکان گرایش به استفاده از برنامه‌های کودک تلویزیونی و مصرف رسانه‌ای آنها را افزایش داده است. بر این اساس تحلیل محتوا شیوه‌ای منظم برای تجزیه یک پیام و نحوه برخورد با پیام مذکور است. همچنین وسیله‌ای برای مشاهده و تحلیل طرز تلقی و تفکر پیام‌دهندگان و یا انتقال‌دهندگان یک پیام است. در این روش بدون برخورد مستقیم با مخاطب، پیام‌های آنان را انتخاب و پاسخ سؤالات تحقیق را به دست می‌آوریم.

روش شناسی

این پژوهش توصیفی و روش به کار رفته تحلیل محتوا است. برای دست یافتن به اهداف مقاله حاضر از روش تحلیل محتوا؛ تکنیک پژوهشی برای استنباط تکرارپذیر و معتبر داده‌ها در یک متن است. (کرپیندروف، ۱۳۸۳، ص ۲۵) در واقع قرارداد منظم و قاعده‌مند محتوای پیام‌ها در مقوله‌های خاص و بر اساس تحلیل روابط بین مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها با استفاده از روش‌های آماری می‌باشد. (بروجردی، ۱۳۸۱، ۲۵) تحلیل محتوا از نظر هدف به دو دسته تحلیل محتوای مفهومی یعنی شناسایی واژه‌ها و تصاویر برای تعیین مفاهیم و طبقات در یک محتوای منتخب است و تحلیل محتوای ارتباطی به معنی طبقه بندی مفاهیم شناسایی شده است که هر یک از این تحلیل‌ها بر اساس کدگذاری پیشین انجام می‌شود. این مقاله بر آن است با ارائه تحلیل محتوای مفهومی و ارتباطی متون بر ساخته شده در سریال‌های تربیتی و آموزشی انیمیشنی که برای کودکان تولید می‌شود تعریف تازه‌ای از رابطه کودک و تلویزیون ارائه دهد. لذا **جامعه آماری** از میان سریال‌های انیمیشنی کودک شبکه استانی همدان سه سریال با - مدت زمان حدود ۲۵ دقیقه در هر قسمت - برای رسیدن به حجم نمونه قابل قبول در تحلیل محتوا و همچنین همخوانی محتوای سریال‌های انیمیشنی (قصه‌های شیرین، من و داداشی و داستان بهارک) با اهداف و سؤالات تحقیق انتخاب شد. که با توجه به جذابیت سریال‌های انیمیشنی برای کودکان، قدرت و تأثیرگذاری آنها در آموزش الگوهای رفتاری و تربیتی صحیح دو چندان می‌شود. همینطور فهرست کدهای ممکن در دو مقوله اصلی تحقیق یعنی الگوهای تربیتی و آموزش رفتارهای فردی - اجتماعی کدگذاری شد. **واحد تحلیل محتوا** سریال‌های پویانمایی کودک شبکه استانی همدان «صحنه» است که بر روی محتوای ۲۱۸ قسمت از سریال‌های پویانمایی انجام شده است. در این بین آموزش الگوهای

1 Christophrogler	8
1 Super hero	9
2 Animated Cartoon DJ Moon	
2 Di gi mon	1

رفتاری و تربیتی در برنامه‌های انیمیشن به ۱۴ مقوله اصلی و ۶۱ (زیر مقوله فرعی) طبقه‌بندی و کدگذاری گردید و با استفاده از «دستورالعمل کدگذاری» که متغیرها و رده‌های آن را شامل می‌شود معیارها و ویژگی‌های تربیتی مطرح شده در هر برنامه-طبق دستورالعمل- کدگذاری است.

در این پژوهش **واحد تحلیل** و واحد ثبت یکسان و شامل هر یک از «صحنه‌های» سریال‌های پویانمایی شبکه استانی می‌شود. واحد تحلیل واحدی است که اطلاعات از آن گردآوری می‌شود؛ واحدی که خصوصیات آن را توصیف می‌کنیم. (د.واس، ۱۳۹۴، ۴۱) واحد تحلیل هر یک از «صحنه‌های سریال‌های پویانمایی» به صورت مجزا است. واحد شمارش در متغیر نحوه ارائه الگوهای تربیتی و آموزش رفتارهای فردی و اجتماعی «کل صحنه‌های هر یک از سریال‌های پویانمایی به صورت جداگانه است». **نمون تحقیق** حاضر بر اساس نمونه‌گیری هدفمند و غیراحتمالی می‌باشد. روایی پرسشنامه معکوس براساس روایی سازه یعنی چارچوب نظری و پژوهش‌های پیشین انجام گرفت. جامعه آماری سریال‌های پویانمایی سال ۱۳۹۶ با محوریت الگوپذیری تربیتی و آموزش‌های فردی و اجتماعی به کودکان و نمونه انتخاب شده برای تحلیل ۷۱ دقیقه سریال انیمیشنی، ۲۱۸ قسمت و در کل تعداد ۵۱۷ صحنه (واحد تحلیل) که شامل آموزش شیوه‌های تربیتی و رفتاری به کودکان مورد بازبینی دقیق و کدگذاری قرار گرفت. برای **سنجش پایایی** این پژوهش از شاخص درصد توافق برای پایایی ثابت (ضریب اسکات) استفاده گردید. روش استفاده از این فرمول جهت محاسبه ضریب پایایی متغیرها بدین صورت بود که متغیرها و مقوله‌های اصلی تحقیق در خصوص الگوهای تربیتی مانند (الگوهای رفتار تربیتی، رفتار اجتماعی، رفتارهای بین فردی و ...) که از این متغیرها ۴ مقوله دارای (دو رده)؛ ۸ مقوله بیش از ۴ رده یعنی (بین چهار تا پنج رده) و ۳ مقوله دارای (سه رده) بود. به این ترتیب حدود یک ماه پس از پایان کدگذاری اولیه ۳۵ درصد یعنی ۲۵۰ صحنه از سریال‌های پویانمایی برای سنجش پایایی انتخاب و بار دیگر از سوی پژوهشگر دیگری کدگذاری شد. میزان تشابه روایی کدها با استفاده از شاخص درصد توافق (ضریب اسکات) ۹۶-۹۸ درصد بالاترین ضریب محاسبه گردید.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

• مقوله نحوه ارائه الگوهای تربیتی

نخستین متغیر مورد بررسی نحوه ارائه الگوهای تربیتی است. نتایج توصیف داده‌ها نشان می‌دهد از کل صحنه‌های بررسی شده ۷۳/۸ درصد از صحنه‌های سریال‌های انیمیشنی شبکه استانی که حول محور الگوهای تربیتی، به صورت کلامی؛ یعنی از طریق دیالوگ میان دو یا چند نفر از شخصیت‌های سریال به کودکان آموخته شده و ۲۶/۱ درصد دیگر با کمترین نسبت به صورت غیر کلامی؛ یعنی از طریق زبان بدن و حرکات، ایما و اشاره- در شخصیت‌های سریال- به کودکان آموخته شده است. بازنمایی کلامی در یادگیری و یادداری رویدادها نقش بسیار مهمی بازی می‌کند و یافته فوق منطبق بر نظریه یادگیری اجتماعی مبتنی بر یادگیری مشاهده‌ای است که منبع الگوهای کلامی و مشاهده بیشترین تأثیر را در فرایند یادگیری ایفا می‌کنند.

جدول شماره ۲- نحوه ارائه رفتارهای تربیتی به کودکان

نحوه ارائه الگوهای تربیتی و آموزشی	فراوانی	درصد
کلامی	۳۸۲	۷۳/۸
غیر کلامی	۱۳۵	۲۶/۱
کل	۵۱۷	۱۰۰

• الگوهای محوری تربیتی

لفرانسوا (۱۹۹۷) منابع تقویتی را در یادگیری مشاهده‌ای در سه دسته خلاصه کرده است: ۱- تقویت مستقیم رفتار یادگیرنده برای تقلید یا الگوبرداری از رفتار دیگران: این نوع تقویت بیشتر در کودکان خردسال مشاهده می‌شود. برای مثال: زمانی که پدر یا مادر کودک خود را برای تکرار درست کلمه‌ای که خود تلفظ کرده است تقویت می‌کند تقویت مستقیم را در الگوبرداری مورد استفاده قرار می‌دهند. ۲- تقویت از راه پیامدهای رفتار: یکی دیگر از منابع مهم تقویتی رفتار یادگیرنده در روش یادگیری از راه الگو برداری پیام‌های مثبتی است که در نتیجه رفتار آموخته شده او از راه الگو برداری یا سرمشق‌گیری نصیبش می‌شود. (مارشال، ۱۳۹۶، ۳۶۸) تحلیل جدول (۳) نشان می‌دهد الگوهای محوری رفتارهای تربیتی در سریال پویانمایی بیشتر حاوی الگوها و رفتارهای تربیتی چون «سلام کردن»، «شستن دست و صورت»، «و راستگویی» می‌باشد. ۲۹در صد « شستن دست و صورت» و ۱۹/۳ در صد در مورد « سلام کردن» بیشترین آموزه‌های تربیتی را به خود اختصاص می‌دهند. ۱۰/۴ در صد پیام‌ها در مورد بهداشت فردی، ۱۷/۲ در صد در مورد «راستگویی و امانت‌داری»، ۷/۹ در صد در مورد مسئولیت‌پذیری، ۵/۲ در صد در مورد «اجازه گرفتن از بزرگترها»، ۲/۹ در صد در مورد «نحوه دوستیابی»، ۶/۹ در صد در مورد «پس انداز کردن»، و ۰/۹ در صد به سایر موارد اختصاص داشت. بر اساس نظریه شناخت اجتماعی «آلبرت بندورا» مبتنی بر یادگیری مشاهده‌ای و خود اثربخشی می‌توان گفت آموزش و فراگیری رفتارهای جدید در انسان، بیشتر از آن که از طریق یادگیری مستقیم و کلاسیک رخ دهد، از طریق الگوسازی از روی رفتارهای دیگران رخ می‌دهد. این الگوسازی می‌تواند در رسانه صورت گیرد.

جدول شماره ۳- الگوهای محوری رفتارهای تربیتی

الگوهای محوری رفتارهای تربیتی	فراوانی	درصد
سلام کردن	۱۰۰	۱۹/۳
شستن دست و صورت	۱۵۰	۲۹
رعایت بهداشت فردی	۵۴	۱۰/۴
مسئولیت‌پذیری	۴۱	۷/۹

اجازه گرفتن از بزرگترها	۲۷	۵/۲
نحوه دوستیابی	۱۵	۲/۹
پس انداز کردن	۳۶	۶/۹
راستگویی و امانتداری	۸۹	۱۷/۲
سایر موارد	۵	۰/۹
کل	۵۱۷	۱۰۰

• مقوله نقش شخصیت‌های سریال

جدول (۴) نقش شخصیت‌های سریال پویانمایی را نشان می‌دهد. ۷۸/۵ درصد صحنه‌های سریال انیمیشنی شبکه استانی به وسیله نقش‌های اصلی داستان یعنی نقش‌هایی که موضوع داستان حول محور آن شخصیت می‌چرخد و ۲۱/۴ درصد از صحنه‌ها، پیام‌های تربیتی را از طریق نقش‌های فرعی یا نقش‌هایی که مکمل نقش اصلی داستان است به کودکان آموزش می‌دهند. از آنجا که نقش‌های اصلی داستان در برگیرنده نقش‌هایی است که موضوع داستان حول محور آنها می‌چرخد، لذا ارائه الگوهای تربیتی توسط نقش‌های اصلی می‌تواند بر رفتارهای تربیتی کودکان تأثیر بیشتری داشته باشد. براین اساس چند تن از روانشناسان مثل مورگان در سال ۱۹۸۶ و مک دوگال در سال ۱۹۰۸ اعلام داشتند که انسان و حیوانات، گرایش فطری به رفتارهایی دارند که می‌بینند، دیگران آنها را انجام می‌دهند. (Davaranpanah & Salary, 2011, p-24) یادگیری مشاهده‌ای نظریه‌ای بود که از طرق مختلف به آزمون گذاشته شد و در برخی موارد نتایج قابل توجه و باور نکردنی را نصیب پژوهشگران کرد. در طول قرن‌های متوالی یادگیری مشاهده‌ای بدیهی انگاشته و معمولاً با این فرض که یک تعامل طبیعی در انسان‌ها مشاهده می‌کنند که برای تقلید آنچه در دیگران وجود دارد، تبیین می‌شد. (Davaranpanah, 2007, p-1)

جدول شماره ۴ - نوع نقش شخصیت‌ها در مجموعه‌های پویانمایی

نوع نقش	فراوانی	درصد
نقش اصلی	۴۰۶	۷۸/۵
نقش فرعی	۱۱۱	۲۱/۴
جمع	۵۱۷	۱۰۰

• مقوله آموزش رفتارهای اجتماعی

2	Mrgan	3
2	Indirect tendency	4

مخاطبان رسانه تلویزیون از جمله کودکان در اثر استفاده از برنامه‌های آن به دانش و بینش‌های نشر شونده از تلویزیون دست پیدا می‌کنند. گفته می‌شود که روند یادگیری و کسب معرفت از تلویزیون، در بیشتر مواقع فارغ از قصد و نیت بیننده تحقق پیدا می‌کند.

بر اساس تحلیل جدول شماره (۵) می‌توان گفت ۴۰/۲ درصد صحنه‌ها با بیشترین نسبت «تمیز نگه داشتن طبیعت» و ۱۳/۱ درصد با کمترین نسبت «مهربان بودن و دوستی با حیوانات» را به عنوان الگوهای رفتارهای اجتماعی به کودکان یاد می‌دهند. در این بین ۲۴/۹ درصد «نچیدن گل‌ها» و «لگد ما نکردن سبزه و چمن در اماکن عمومی و پارک‌ها» و ۲۱/۶ درصد از صحنه‌ها تمیز نگه داشتن اماکن عمومی و آشغال نریختن در معابر و خیابان‌ها را به کودکان آموزش می‌دهند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سریال‌های انیمیشنی شبکه استانی رفتارهای اجتماعی چون «دوستی با طبیعت و تمیز نگه داشتن آن» و همچنین «آسیب نرساندن به گیاهان در اماکن عمومی و پارک‌ها» را به عنوان یک رفتار اجتماعی از طریق شخصیت‌های سریال‌ها، به کودکان الگوسازی تربیتی می‌کنند.

جدول شماره ۵- آموزش رفتارهای اجتماعی به کودکان

آموزش رفتارهای اجتماعی به کودکان	فراوانی	درصد
دوست داشتن حیوانات	۶۸	۱۳/۱
آسیب نرزدن به گیاهان	۱۲۹	۲۴/۹
تمیز نگه داشتن طبیعت	۲۰۸	۴۰/۲
تمیز نگه داشتن اماکن عمومی	۱۱۲	۲۱/۶
کل	۵۱۷	۱۰۰

یادگیری اجتماعی منابع یادگیری را متنوع در نظر می‌گیرد. بر این اساس تلویزیون یک منبع یادگیری است این منبع خیلی هم مهم است اما تفاوتی که این نظریه با نظریه کاشت دارد این است که بر یادگیری و الگوگیری از تلویزیون و نه فقط به میزان تماشای تلویزیون تأکید می‌کند.

مقوله الگوهای تربیتی بین فردی در کودکان

به کارگیری پیام‌های تربیتی و اخلاقی که شامل رفتارهای فردی و اجتماعی در کودک می‌شود شامل رفتارهای فردی یعنی در ارتباط با خود کودک و رفتارهای روزمره کودک، در ارتباط با دیگر کودکان و گروه‌های همسال کودک و همچنین در ارتباط با دیگر افراد بزرگسال، با محیط اجتماعی و بالاخره در ارتباط با طبیعت و محیط زندگی می‌باشد. به طوری که کودک به طور بالقوه می‌آموزد تا رفتارهای تربیتی را به طور غیر مستقیم از تلویزیون الگوسازی نماید و نوع برخورد با هر یک از رفتارهای فوق را از یکدیگر تفکیک نماید. افراد به ویژه کودکان، بیشتر برنامه‌های تلویزیون را همچون سرگرمی و نه به قصد کسب دانش و تجربه نگاه می‌کنند. ولی در عین حال، فرایند کسب دانش و بینش از تلویزیون، به صورت ناخودآگاه به وقوع می‌پیوندد.

نتایج جدول (۶) نشان می دهد ۴۲/۱ درصد «همکاری در کارها» و ۳۰/۱ درصد «قدردانی از یکدیگر» را به عنوان الگوهای مطلوب رفتاری در تعامل کودکان با یکدیگر آموزش می دهند در ادامه ۷/۷ درصد با کمترین نسبت پرهیز از سخنان زشت در تعامل کودکان با یکدیگر را به آنها آموزش می دهند. همچنین ۱۸/۷ درصد نیز محبت به یکدیگر را به عنوان یک الگوی تربیتی مطلوب در ارتباطات میان فردی کودکان به آنها یاد می دهند. بنابراین می توان گفت در سریال های انیمیشنی شبکه استانی رفتارهای بین فردی چون «همکاری در کارها»، «قدردانی از یکدیگر» بیش از سایر رفتارهای تربیتی به کودکان آموخته شده است

جدول شماره ۶ - الگوهای تربیتی بین فردی در کودکان

درصد	فراوانی	الگوهای تربیتی بین فردی در کودکان
۴۲/۱	۲۱۸	همکاری در کارها
۳۰/۱	۱۵۶	قدردانی از دیگران
۱۸/۷	۹۷	محبت به یکدیگر
۷/۷	۴۰	پرهیز از سخنان زشت
۱/۱	۶	سایر
۱۰۰	۵۱۷	کل

• **مقوله قالب ارائه پیام های تربیتی**

کودکان اغلب با حیوانات رابطه بهتری برقرار می کنند و به نوعی حیوانات را دوست دارند. اشیاء نیز از مواردی است که کودکان هر روزه با آنها سروکار دارند مانند (توپ، قاشق، چنگال، اسباب بازی و غیره) لذا تشخیص استفاده از هر کدام (انسان، حیوانات و اشیاء) که بتواند دربرگیرنده پیام تربیتی در جهت تغییر نگرش و رفتار مطلوب کودکان باشد به عهده برنامه ساز است. در سریال پویانمایی ۷۶/۵ درصد با بیشترین نسبت در قالب داستان و قصه به کودکان یاد داده شده است و ۶/۱ درصد با کمترین نسبت به صورت نماهنگ، آموزه های تربیتی را به کودکان ارائه داده است. کودکان در قالب داستان و قصه رفتارهای تربیتی و آموزشهای رفتار فردی را بهتر و پایدارتر می آموزند.

جدول شماره ۷ - قالب ارائه پیام های تربیتی

درصد	فراوانی	قالب ارائه الگوهای تربیتی
۷۶/۵	۳۹۶	داستان
۱۷/۲	۸۹	شعر
۶/۱	۳۲	نماهنگ
۱۰۰	۵۱۷	کل

نظریه یادگیری اجتماعی، یادگیری و تقلید را از عملکرد به اعمالی که قبلاً آموخته‌ایم متمایز می‌کند. افراد از طریق مشاهده الگو راحت‌تر یاد می‌گیرند اما مهارت و اطلاعاتی را که این‌گونه کسب می‌کنند ممکن است در زمان یادگیری نشان ندهند. اشخاص مهارت‌ها را تا زمانی که برای نشان دادن آنها انگیزه ندارند نشان نمی‌دهند این انگیزه برای عملکرد مهارت‌های یاد گرفته شده از این عقیده سرچشمه می‌گیرد که مهارت‌های متناسب با موقعیت می‌تواند نتایج مثبت به همراه داشته باشد. (جاویدی، ۱۳۹۰، ص ۹۷)

مقوله آموزش هیجان‌های مثبت و منفی

محتوای تلویزیون، فضیلت‌های خاصی را به مخاطب القاء می‌کند که مواردی از آن به صورت عقیده برای مخاطب درمی‌آید. تردیدی نیست که پیام‌های رسانه تلویزیون، در انتقال نگرش‌های خاص خنثی عمل نمی‌کند، بلکه دربردارنده نگرش‌های خاصی برای مخاطب است. از طرف دیگر، پیام‌های تلویزیون زمانی تأثیرگذار است که زمینه‌های روانی و اجتماعی آن برای مخاطب فراهم شود. بخش زیادی از برنامه‌های تلویزیون، سبک و سیاق عاطفی و انگیزشی دارد. از این رو، همیشه تلویزیون با نگرش‌های مخاطب درگیر است. (مسعود نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶) تحلیل جدول (۸) نشان می‌دهد که ۴۴/۱ درصد با بیشترین نسبت نحوه کنترل هیجان خشم و عصبانیت را به کودکان آموزش داده است و ۱۴/۷ درصد با کمترین نسبت داشتن حس امید را به کودکان آموخته است. هیجان‌های مثبت و منفی دیگری که توسط سریال‌های انیمیشنی به کودکان آموخته شده است به ترتیب ۲۲ درصد «حس شادی» و ۱۹/۱ درصد «کنترل حسادت» در کودکان می‌باشد. بنابراین سریال‌های انیمیشنی بیشتر به مهار کردن هیجان‌های منفی چون خشم و عصبانیت در کودکان پرداخته‌اند و در مرحله بعدی نحوه شاد بودن به کودکان آموخته شده است.

جدول شماره ۸- آموزش کنترل هیجان‌های مثبت و منفی

آموزش کنترل هیجان‌های مثبت و منفی	فراوانی	درصد
خشم	۲۲۸	۴۴/۱
حسادت	۹۹	۱۹/۱
شادی	۱۱۴	۲۲
امید	۷۶	۱۴/۷
کل	۵۱۷	۱۰۰

از آنجا که بخش زیادی از مخاطبان تلویزیون کودکان هستند. لذا تغییر نگرش‌های مخاطبان و ایجاد نگرش‌های تازه در آنان هم تشدید و با سهولت انجام می‌پذیرد. یکی از ویژگی‌های رسانه‌ها کنترل هیجان در مخاطب است.

• مقوله رفتارهای بارز شخصیت‌های پویانمایی در سریال

از تحلیل رفتارهای بارز شخصیت‌های پویانمایی در سریال می‌توان به این نتیجه رسید که ۶۳/۴ درصد با بیشترین نسبت رفتار «غلبه بر کم‌رویی و خجالت» را برای کودکان الگوسازی می‌کنند. ۷/۳ درصد با کمترین نسبت رفتار «درخواست

کمک» را برای کودکان الگو سازی می کنند. رفتارهایی چون «مسئولیت پذیری» با ۹/۶ در صد «اعتماد به نفس» با ۱۰ در صد «کنترل خشم» ۹/۴ از رفتارهای بارز شخصیت هاست.

جدول شماره ۹ - رفتارهای بارز شخصیت های انیمیشنی در سریالها

درصد	فراوانی	رفتارهای بارز شخصیت های انیمیشنی
۹/۶	۵۰	مسئولیت پذیری
۱۰	۵۲	اعتماد به نفس
۹/۴	۴۹	کنترل خشم
۷/۳	۳۸	درخواست کمک
۶۳/۴	۳۲۸	غلبه بر کمرویی
۱۰۰	۵۱۷	کل

در سریال های انیمیشنی بارزترین رفتاری که به صورت یک الگوی رفتاری به کودکان آموخته می شود رفتار «غلبه بر خجالت و کمرویی» است که در اکثر صحنه های سریالها به آن پرداخته و به نمایش گذاشته شده است.

• مقوله شیوه آموزش الگوهای تربیتی

هدف از تعلیم و تربیت از دیدگاه روسو حفظ طبیعت فطرتاً نیک و آزاد کودک در برابر فساد محیط اجتماعی است. به نظر او تربیت درست، تربیت منفی است، یعنی برای این که طبیعت بتواند آزادانه رشد کند، باید کودک را از جامعه دور نگه داشت تا به سن عقل برسد. وظیفه تربیت آن است که ضمن آنکه صفا و پاکی طبیعت کودک را حفظ می کند موجبات رشد و نمو وی را فراهم آورد. (مفیدی، ۱۳۹۳، ص ۸۶) روسو معتقد است که در هر سن از کودک اعمال و حرکاتی سر می زند که برای آن سن عادی و طبیعی است و آموزش باید همان حرکات را دنبال کند و از آنها استفاده نماید. به اعتقاد وی «برای طرح هر مسأله و برای یادگیری هر مطلب ساعت و زمان مناسبی وجود دارد. گرچه وی زمان خاصی را برای فراگیری قائل است در عین حال معتقد است که مقدمات فراگیری را باید قبل از آن آماده نمود. (شعاری نژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۱۰)

نتایج تحلیل داده ها نشان می دهد؛ در سریال های انیمیشنی ۴۴/۶ در صد با بیشترین نسب الگوهای تربیتی در سریال های انیمیشنی از طریق انسان (شخصیت های داستانی که موضوع داستان حول محور آنها می چرخد انسانها هستند) و ۱۷/۴ در صد با کمترین نسبت از اشیاء برای بیان الگوهای تربیتی کودکان استفاده می کنند (اشیائی مانند: قاشق، لیوان و دستمال که در ژانر انیمیشن قادر به حرف زدن با کودکان و بیان نکات تربیتی و آموزشی هستند) و ۳۷/۹ در صد نیز آموزه های تربیتی از طریق حیوانات و با زبان حیوانات به کودکان انتقال داده می شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که در سریال های انیمیشنی شبکه استانی بیشتر آموزه ها و الگوهای تربیتی از زبان انسانها و در مرحله بعد از زبان حیوانات آموخته می شود و کودکان از طریق دیگر انسانها و حیوانات الگوهای تربیتی را در سریال های انیمیشنی فرامی گیرند.

جدول شماره ۱۰ - طرق مختلف آموزش الگوهای تربیتی

نحوه تربیتی	آموزش الگوهای	فراوانی	درصد
از طریق انسان		۲۳۱	۴۴/۶
از طریق حیوانات		۱۹۶	۳۷/۹
از طریق اشیاء		۹۰	۱۷/۴
جمع		۵۱۷	۱۰۰

کودکان اغلب با حیوانات رابطه بهتری برقرار می کنند و به نوعی حیوانات را دوست دارند. اشیاء نیز از مواردی است که کودکان هر روزه با آنها سروکار دارند مانند (توپ، قاشق، چنگال، اسباب بازی و غیره) لذا تشخیص استفاده از هر کدام از مواردی (انسان، حیوانات و اشیاء) که می تواند دربرگیرنده پیام تربیتی در جهت تغیر نگرش و رفتار مطلوب باشد به عهده برنامه ساز است.

• مقوله یادگیری الگوها از کدامیک از اعضای خانواده

برای اینکه مشاهده گران بعدها رفتار الگو را تکرار کنند باید جنبه های مهم آن را به یاد آورند. برای یادآوری آنچه که به آن توجه کرده ایم باید آن را رمزگذاری کرده و به صورت نمادین بازنمایی کنیم. باورهای خود کارآمدی به عنوان هسته مرکزی نظریه شناختی اجتماعی در نظر گرفته شده است، بر عملکرد انسانی تأثیر دارد. این باورها از نگاه پاجارس (۲۰۰۶) قضاوت افراد در مورد قابلیت های خود برای سازماندهی و اجرای اعمالی است که نیاز به عملکردهای مختلفی دارد. (فاتحی، ۱۳۹۲، ۲۴) کودکان از طریق تقلید کردن یاد می گیرند. پتانسیل کودک برای مشاهده و تقلید کیفیت شگفت انگیزی است. دانشمندان به این ویژگی کودک الگوپذیری می گویند. کودکان حرف زدن را از طریق مشاهده و تقلید کردن یاد می گیرند. همچنین نگرش ها، ارزش ها، و حتی برخی از عادات را از این طریق می آموزند (Dewar, 2015, p-114)

تحلیل داده های جدول (۱۰) نشان می دهد ۵۷ درصد الگوهای تربیتی، از طریق پدر و مادر به کودکان آموخته می شود. ۱/۷ درصد «پدر بزرگ و مادر بزرگ» و ۲/۷ درصد «سایر افراد» با کمترین نسبت الگوهای تربیتی از طریق آنان به کودکان آموخته می شود. در این بین ۲۳/۷ درصد «خواهر و برادر» و ۱۴/۷ درصد «افراد فامیل» از جمله افرادی محسوب می شوند که در سریال های انیمیشنی رفتارهای تربیتی از طریق آنها به کودکان آموخته می شود.

جدول شماره ۱۰ - یادگیری الگوها از کدامیک از اعضای خانواده

یادگیری الگوها از کدام	فراوانی	درصد
مادر و پدر	۲۹۵	۵۷
برادر و خواهر بزرگتر	۱۲۳	۲۳/۷

۱/۷	۹	پدر بزرگ و مادر بزرگ
۱۴/۷	۷۶	افراد فامیل
۲/۷	۱۴	سایر افراد
۱۰۰	۵۱۷	کل

نزدیکترین افراد به کودکان اعضای خانواده هستند که به طور مداوم با آنها صحبت و از کارهای آنها الگوبرداری می نمایند. این افراد کسانی هستند که کودک حرف شنوی بیشتری از آنها دارد و بنابراین بیشترین تقلید را می تواند از رفتارها و گفتارهای اعضای خانواده خود داشته باشد.

درفرآیند شکل گیری شخصیت کودکان، بیشترین نقش متوجه الگوهای رفتاری است. چرا که یادگیری، اساس رفتار آدمی را تشکیل می دهد. یادگیری های غیر مستقیم، ضمنی یا مشاهده ای، پایدار و مؤثرترین نوع یادگیری محسوب می شوند و در این میان، مهم ترین نقش بر عهده الگوهای رفتاری است. به عبارت دیگر، از آنجایی که تقلید و همانندسازی یکی از مهمترین روش های یادگیری در کودکان است، هر قدر الگوی رفتاری نزد کودکان از شخصیت محبوب تری برخوردار باشد، به رفتارهای کلامی و غیر کلامی آنها بیشتر توجه می شود. از آنجا که آگاهی در سنین مختلف کودکی فرق می کند، نقش برنامه سازان در معرفی الگوها و ایجاد شناخت و درک کودک بسیار مهم است.

نتیجه گیری

یافته‌ها و نتایج پژوهش دربرگیرنده این نکته است که از ۱۴ متغیر مورد بررسی، مؤلفه‌ها تبیین کننده الگوپذیری تربیتی و آموزش رفتارهای فردی و اجتماعی به کودکان در سریال‌های انیمیشن شبکه استانی بوده است. با توجه به مبانی نظری تحقیق و تأکید بر نظریه شناخت اجتماعی «آلبرت بندورا» مبتنی بر یادگیری مشاهده‌ای بر مبنای چهار منبع مشاهده الگو، حفظ الگو، اعمال الگو و در نهایت تقویت و به خاطر سپاری الگو، همچنین تأثیر رسانه تلویزیون بر رفتار و الگوپذیری کودکان، نتایج پژوهش نشان داد که سریال‌های انیمیشن شبکه استانی دربرگیرنده آموزه رفتارهای تربیتی در سطح فردی و اجتماعی بوده است. به طوری که اکثر صحنه‌های سریال‌های انیمیشن دارای نکات تربیتی به صورت کلامی و غیر کلامی می باشد. این نتایج منطبق با پژوهش دیوار (۲۰۱۵) است. وی دریافت کودکان با تماشای تلویزیون بسیاری از مهارت‌های کلامی را یاد می گیرند. او نتیجه گرفت اثرات تلویزیون بر کودکان به طور مستقیم در یادگیری الگوهای تربیتی آنها مؤثر است. کودکان بسیاری از تجربه‌های زندگی را مانند حرف زدن ابتدا در تلویزیون می بینند و یاد می گیرند. همچنین «بیشتر صحنه‌های سریال پویانمایی دارای الگوها و رفتارهای تربیتی چون «نظافت شخصی»، «سلام کردن»، «راستگویی» می باشد»، «بیشتر پیام‌ها و الگوهای تربیتی از طریق نقش‌های اصلی داستان به کودکان آموزش داده می شود» همان گونه که بندورا در نظریه یادگیری بر نقش اصلی در ارائه الگوی رفتاری تأکید دارد. همچنین از میان الگوهای دینی و معنوی «دعا کردن» و «نماز خواندن» بیش از سایر رفتارهای معنوی به کودکان آموخته می شود. بندورا در مطالعات خود دریافت الگوهایی که با فطرت طبیعی افراد سروکار دارد در مرحله مشاهده تأثیر دو چندانی خواهد داشت. در راستای الگوپذیری تربیتی رفتارهای اجتماعی چون دوستی با طبیعت و تمیز نگه داشتن آن و همچنین آسیب نرساندن به گیاهان در اماکن عمومی و پارک‌ها به عنوان یک رفتار اجتماعی پسندیده از طریق شخصیت‌های دلبزیر داستان در انیمیشن‌ها الگوسازی می شود. آموزش رفتارهای بین فردی چون همکاری در کارها، «قدردانی از یکدیگر بیش از سایر رفتارهای تربیتی و در قالب قصه برای کودکان بیان می شود. زیرا کودکان در قالب داستان و قصه رفتارهای تربیتی و فردی را بهتر به خاطر سپرده و می آموزند. نتایج تحلیل نشان داد؛ محتوای سریال انیمیشن بیشتر به نحوه کنترل هیجان منفی خشم در آموزه‌های تربیتی خود پرداخته است. زیرا رفتار را می توان از طریق مشاهده یاد گرفت و واکنش‌های هیجانی مانند ترس و شادی را بر مبنای روش جانشینی شرطی کرد. شبیه این تحلیل را حسن بهشتی (۱۳۹۲)

در بررسی شخصیت قهرمان بن تن^۷ که بر ترس و خشم خود غلبه می کند در یکی از مجموعه‌های پرتعداد این روزهای دنیای انیمیشن با هدف ایجاد الگوپذیری تربیتی از شخصیت «قهرمان» به آن پرداخته است. باور ایجاد واکنش‌های شدید هیجانی در انسان نسبت به مکان، افراد و اشیاء و بدون هرگونه تماس شخصی با آنها، غیرمعمول نیست. فرایند یادگیری واکنش‌های هیجانی، از طریق مشاهده دیگران را شرطی شدن جانشینی خوانده‌اند. (آقایوسفی، ۱۳۸۶، ۲۴۲)

در سریال‌های پویانمایی مختص کودکان بیشتر آموزه‌ها و الگوهای تربیتی از زبان انسان‌ها و در مرحله بعد از زبان حیوانات به کودکان آموخته می شود و کودکان از طریق دیگر انسان‌ها و حیوانات الگوهای تربیتی را فرا گرفته و رفتار در

آنها تقویت می شود. این نتیجه در راستای پژوهش مون^{۲۸} و شوئیتزر^{۲۹} (۲۰۰۵) است که به بررسی محتوایی بخشی از برنامه‌های کودک و نوجوان کشور مالزی در سکانس‌هایی از برنامه‌های کودک کره جنوبی پرداخت و در آنها به تحلیل رابطه کودک با شخصیت‌های کارتون حیوانات و تأثیرپذیری از آنها اشاره و مورد تحلیل قرار داد.

انواع تقویت در نظریه بندورا برخلاف نظریه‌های تقویتی مانند نظریه اسکینر، تقویت لازمه یادگیری به حساب نیامده اما تأثیر آن بر رفتار یادگیرنده انکار نشده است. طبق این نظریه کنش در تمام فرآیندهای یادگیری مشاهده‌ای رفتار یادگیرنده از تقویت‌های مختلف تأثیر می پذیرد. و بالاخره آنکه انیمیشن تلویزیونی؛ نمونه‌های شبیه سازی شده دنیای واقعی هستند که توانسته‌اند به عنوان ژانر محبوب شناخته شوند. این قالب برنامه سازی به دلیل سازوکار همذات پنداری، آنگوها، ارزش‌ها، هنجارها، نقش‌ها و دیدگاه‌های مخاطبان را در حوزه‌های مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد و به عنوان محملی برای اثرگذاری بر مخاطب و تزریق مفاهیم و درون مایه‌های ارزشی و اخلاقی در نظر گرفته می‌شود. بخشی عظیمی از محبوبیت فیلم‌های داستانی از روایت‌های آنها کسب می‌شود؛ روایت‌ها به برنامه سازان کمک می‌کنند از روش القای مستقیم پیام به مخاطب فاصله بگیرند و ضمن جلوگیری از دزدگی مخاطب، رسانه را در رساندن به اهداف کلان خود یاری رسانند. (ارنسون، ۱۳۹۳، ۲۴۶)

پیشنهاد‌های پژوهشی

در راستای نتایج پژوهش پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌شود:

- موضوعات فرهنگی نیز در کنار موضوعات اجتماعی برای الگوپذیری کودکان در مجموعه‌های پویانمایی در نظر گرفته شود.
- - کودکان رابطه خوبی با حیوانات برقرار می‌کنند بنابراین می‌توان اکثر آموزه‌های تربیتی را از زبان حیوانات بیان نمود.
- مسائل آداب معاشرت و نحوه تعامل با دیگران از موضوعاتی است که در پویانمایی‌ها مورد کم توجهی قرار گرفته بود. بنابراین می‌توان به این مقوله فردی بیشتر پرداخت.
- الگوهای دینی و معنوی یکی از آموزه‌های مثبت در پویانمایی است و می‌تواند به کودکان درک عمیق‌تری از رفتارهای مذهبی بدهد؛ به عبارت بهتر می‌توان دلیل انجام امور معنوی را مطابق با درک کودکان و با منطبق مورد قبول آنها به کودکان آموزش و الگودهی نمود.
- پیشنهاد می‌شود پیام‌ها و الگوهای تربیتی به طور متوازن و به یک اندازه به کودکان آموزش داده شود.
- در پویانمایی‌های آتی کودکان، رابطه کودک با حیوانات و گیاهان به شکل رابطه دو سویه ارائه شود. یعنی فقط به صورت تذکر یا نکته از سوی بزرگترها در مورد مهربانی با حیوانات و آسیب نرساندن به گل و گیاهان ارائه نشود بلکه تجربه کودک در برخورد با گیاهان و حیوانات نیز به تصویر کشیده شود.

2 Moon, Y.S	8
2 Schweitzer, K	9
3 Askinear	0
3 Assumptions	1

- سعی شود از فرم‌های جدید تصویری و از رنگ‌های گرم و شاد بیشتری در شخصیت‌های داستان‌های انیمیشنی استفاده شود.
- استفاده از فرهنگ و گویش بومی و آموزش مهارت‌های اجتماعی و الگوهای تربیتی در قالب گویش بومی به کودکان در پویانمایی شبکه استانی توصیه می‌شود.
- افزایش خلاقیت هنری در تولیدات انیمیشنی می‌تواند مجموعه‌ها را قابل رقابت با آثار خارجی نماید.

منابع

- فارسی:
- ارنسون، الیوت، ۱۳۹۳، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه: حسین شکرکن، تهران، نشر رشد.
- اصغری، منصوره، ۱۳۹۶، روابط بین استفاده از تلویزیون و رفتارهای کودکان پیش دبستانی، نشریه الکترونیکی کروس مارک.
- ادیب، محسن، ۱۳۸۲، حقوق کودک در برابر رسانه‌ها، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ش ۱.
- افضل‌نیا، محمد رضا، ۱۳۸۴، طراحی و آشنایی با مراکز و منابع یادگیری، تهران: سمت.
- بروجردی، علی اکبر، ۱۳۸۱، ادبیات کودکان در زندگی، تهران: نشر اطلاعات.
- پارسا، محمد، ۱۳۸۳، روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران، نشر بعثت، چاپ دوم.
- شولتز، دوان پی. و شولتز، سیدنی ال، ۱۳۸۹، نظریه‌های شخصیت، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، تهران، ویرایش، چاپ هفدهم.
- شعاری نژاد، حسن، ۱۳۸۶، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات دوران.
- فاتحی زاده، مریم السادات، ۱۳۹۲، خودکارآمدی حرفه‌ای، فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، سال سیزدهم، ش ۹.
- د.واس، دی.ای، ۱۳۹۴، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ نایبی، تهران، نشر نی، چاپ هفدهم.
- رابی.ال و الیور.بث، ۱۳۹۳، فرایندها و تأثیرات، ترجمه: محمد مهدیزاده، انتشارات مرکز پژوهش و سنجش افکار صدا و سیما، تهران.
- روجک، کریس، ۱۳۹۰، مطالعات فرهنگی، مترجم: پرویز علوی، تهران، انتشارات ثانیه.
- رستم‌خانی، محمدحسین، ۱۳۹۴، بررسی عوامل اجتماعی و روان‌شناختی تأثیرات برنامه‌های تلویزیون بر روی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی و دبیرستان شهر زنجان. پایان‌نامه کارشناسی. دانشگاه زنجان.
- حجازی، بنفشه، ۱۳۸۵، ادبیات کودکان و نوجوانان، ویژگی‌ها و جنبه‌ها؛ تهران، نشر روشنگر.
- کدیور، پروین، ۱۳۸۵، روان‌شناسی تربیتی، تهران، سمت، چاپ نهم.
- کونتر و مک آلر، ۱۳۸۰، رشد شخصیت کودک، ترجمه: مهشید یاسایی، تهران، نشر مرکز.
- کریپندروف، کلوس، ۱۳۸۳، تحلیل محتوا؛ مبانی روش‌شناسی، ترجمه: هوشنگ نایبی، تهران، نشر نی.
- گونز، بری و آلر، بیل مک، ۱۳۸۰، کودک و تلویزیون، ترجمه: نصرت فتی تهران، سروش.
- نجفی، حسین، ۱۳۹۰، تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند یاد‌دهی و یادگیری، فصلنامه پیک نور، سال نهم، ش ۱.
- مرادی، اعظم و غلامی رثائی، فاطمه، ۱۳۹۴، درمان هراس اجتماعی، فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، سال یازدهم.
- مفیدی، فرخنده، ۱۳۹۳، آموزش پیش دبستانی، چاپ نهم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

• مسعود نیا، ابراهیم، ۱۳۸۷، خود کارآمدی عمومی و فوبی اجتماعی، ارزیابی مدل شناختی اجتماعی بندورا، نشریه مطالعات روانشناختی، دوره ۴ شماره ۳.

- Akiyama,t,(2015), Peresent state of Educational TV add radio. The nhk on broadcast research,vol4,p-1-18.
- Bath,C,(2003),Historytheory and quality indicators of distance education .Texas.longman.
- Reinhardt, lauri,(2017) "The effects of television on childrens state university, san Bernardino,CSUSB, Scholar Works.
- Belumer,H. (1960)," Learn Behavioral Behaviors Of TV Baby Child Characters" , Glencoe: The Free Press.
- Caron, Andre et al,(2012) A National Study on Children's Television Programming in Canada. Centre for Youth and Media Studies, Universite de Montreal.
- Christakis DAZimmerman FJDiGiuseppe DLMcCarty CA Early television exposure and subsequent attentional problems in children. Pediatrics 2006;113708- 713
- Davarpanah, M. R. (2007). Information need and information Behavior, Tehran: Dabizesh. (In Persian).
- Davarpanah, M. R., & Salary, M. (2011). Social and environmental development of information theory role in shaping the structure and action of 'information-pattern.
- Dewar,gwen,(2015),"the effects of television on language skill: Does really prevent learning.
- Moon, Y.S. & Schweitzer, K. (2005), Programs Appeals and Cultural Values in Television Commercials: A Comparison of Hong Kong and Korea. International Programs Review, Vol. 22, pp. 48-66.
- Oyedele, A.; Minor, M.S. & Ghanem, S. (2010), "Signals of Global Advertising Appeals in Emerging Markets", Media Heroes in Violent Children's Movies , Vol. 26, pp. 521-541.
- Klemm,William,(2017), Televishon effects on education revisited, impaired learning to learn. Lond on,pp12-24.
- Horrocks RedPerry Ned Television in New Zealand: Programming the Nation. New York, NY Oxford University Press Inc2011;20- 43
- Hancox, Robert J (2005), Association of Television Viewing During Childhood With Poor Educational Achievement, Arch Pediatr Adolesc Med. 2005;159(7):614-618. doi:10.1001/archpedi.159.7.614 editorial comment icon Editorial.